Journal of urban law Open Access

Spring (2026) 2(1): 39-48

ORIGINAL ARTICLE

The rights of vulnerable groups from a human rights perspective with an emphasis on women and children in the city

Mojtaba Ansarian

departure of law and social science Payame noor university, Tehran, Iran.

Correspondence:
Mojtaba Ansarian
Email: m_ansarian@pnu.ac.ir

Received: 07 Nov 2025
Accepted: 08 Feb 2026

How to cite
Ansarian, M. (2026). The rights of vulnerable groups from a human rights perspective with an emphasis on women and children in the city. Journal of urban law, 2(1), 39-48.

ABSTRACT

The ultimate and maximum goal of human rights is to achieve the security of individuals and to protect individuals in two general ways. Comprehensive and complete support for all human beings in general, regardless of gender, religion, race, ethnicity, language, nationality, and anything that places individuals in different situations, ranks, and degrees, with the specific goal and desire that human dignity, freedom, and economic rights of all individuals be realized. Second, support for vulnerable people or people who are more likely than others to suffer harm, physical and mental injury, or to suffer damage and loss to their interests and rights due to a specific situation. Such as the disabled, the elderly, children, and women. The question addressed in this research is about the human rights violations of women and children living in the city in general and not in a specific city, with the hypothesis that the greatest harm to women is in terms of threats to life and acts of sexual and verbal violence, and in relation to children, the lack of a suitable space for them to play and realize their happiness, which results in depression, excessive use of electronic devices and computer games, and the infliction of severe mental and even physical harm. This research was written using a qualitative method and data collection was done through a library method.

KEYWORDS

Human rights, vulnerable groups, women's rights, children's rights, urban rights.

Copyright © 2026 The Authors. Published by Payame Noor University.
This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited.

مجله حقوق شهری

سال دوم، شماره یکم، پیاپی دوم، بهار ۱۴۰۵ (۳۹-۴۸)

«مقاله پژوهشی»

حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر از منظر حقوق بشر با تاکید بر زنان و کودکان در شهر

مجتبی انصاریان

دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:
مجتبی انصاریان
رایانامه: m_ansarian@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۹

چکیده

هدف نهایی و حداکثری حقوق بشر تحقق امنیت افراد و درپی حفاظت از افراد به دو صورت کلی است. نخست حمایت همه‌جانبه و کامل از همه انسان‌ها به شکل عام بدون درنظرداشت جنسیت، مذهب، نژاد، قومیت، زبان، ملیت و هر آنچه که افراد را در وضعیت، مرتبه و درجه متفاوت قرار می‌دهد با این آرمان و خواسته مشخص که کرامت انسانی و آزادی و حقوق اقتصادی کلیه افراد محقق شود. دوم حمایت از انسان‌های آسیب‌پذیر یا افرادی که امکان وارد شدن آسیب، صدمه جسمی و روحی به آن‌ها و یا ایراد خسارت و ضرر به منافع و حقوقشان به دلیل یک وضعیت خاص بیشتر از بقیه وجود دارد. مانند توان‌خواهان، کهنسالان، کودکان و بانوان. پرسش مدنظر این پژوهش درخصوص موارد نقض حقوق بشر شهروندان زن و کودک ساکن در شهر به صورت کلی و نه یک شهر خاص با این فرضیه است که بیشترین آسیب به زنان درخصوص تهدید جانی و اعمال خشونت‌های جنسی، کلامی و در رابطه با کودکان عدم برخورداری از فضای مناسب برای بازی و تحقق شادی آنان است که پیامد آن افسردگی، استفاده بیش از حد از ابزار الکترونیکی و بازهای رایانه‌ای و تحمیل آسیب‌های شدید روحی و حتی جسمی خواهد بود. این پژوهش با روش کیفی و توصیفی و جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای نگارش شده است.

واژه‌های کلیدی

حقوق بشر، گروه‌های آسیب‌پذیر، حقوق زنان، حقوق کودکان، حقوق شهری.

استناد به این مقاله:
انصاریان، مجتبی. حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر از منظر حقوق بشر با تاکید بر زنان و کودکان در شهر. مجله حقوق شهری، ۲(۱)، ۳۹-۴۸.

حق انتشار این مستند، متعلق به نویسندگان آن است. ۱۴۰۴ ©. ناشر این مقاله، دانشگاه پیام نور است.

این مقاله تحت گواهی زیر منتشرشده و هر نوع استفاده غیرتجاری از آن مشروط بر استناد صحیح به مقاله و با رعایت شرایط مندرج در آدرس زیر مجاز است.
Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)

۱- بیان مساله

گروه‌های آسیب‌پذیر، افرادی هستند که به دلیل ویژگی‌های ذاتی یا موقعیت اجتماعی‌شان، بیشتر در معرض نقض حقوق، استثمار یا محرومیت از خدمات عمومی قرار دارند. براساس اصول و حقوق اشاره‌شده در بیانیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی، همه انسان‌ها صرف‌نظر از جنسیت، سن یا وضعیت اجتماعی، از حقوق برابر برخوردارند؛ اما در عمل، این برابری در شهرها به‌صورت کامل محقق نشده است.

در جوامع نو و امروزی، شهرها باتوجه به رشد و گسترش آن‌ها به‌عنوان مراکز اصلی زندگی اجتماعی و اقتصادی، باید فضایی عادلانه و ایمن برای همه شهروندان فراهم کنند. همچنین باید اشاره کرد که روستاها و سایر مراکز جمعیتی که تحت عنوان شهر تعریف نمی‌شوند نیز با توجه به تغییر بافت و ویژگی‌های روستاها پذیرای افکار و اندیشه‌های جدید و حق‌خواهی و مطالبه‌گری شهروندان به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر همچون زنان و کودکان هستند که از سمت دولت و دستگاه‌ها و اداره‌های حکومتی و سایر شهروندان خواستار تحقق بیشتر و کامل حقوق خود هستند.

گروه‌های خاصی از افراد از جمله زنان، کودکان، سالمندان، افراد توان‌خواه و اقلیت‌ها به دلایل ساختاری، فرهنگی و اقتصادی در معرض تبعیض و نابرابری قرار دارند. چالش‌های پیش رو گروه‌های آسیب‌پذیر شامل ناامنی در فضاهای شهری (به‌ویژه شب‌ها و در حمل‌ونقل عمومی)، دسترسی نابرابر به فرصت‌های شغلی و آموزشی، تبعیض در استفاده از منابع شهری (زمین، مسکن، تسهیلات مالی) نبود مشارکت کافی در تصمیم‌گیری‌های شهری است.

چالش‌های کودکان در شهر شامل موارد مختلف است که البته در بعضی موارد در میان شهرهای مختلف جهان یکسان و شبیه به هم است که می‌توان چنین مواردی را برشمارد: کار کودک و استثمار اقتصادی، فقدان فضاهای امن برای بازی و رشد، آسیب‌پذیری در برابر خشونت، فقر و آلودگی محیطی، بی‌توجهی به کودکی کودک در سیاست‌های شهری، آسیب‌پذیری در برابر سوءاستفاده‌های جنسی، آدم‌ربایی و اخذ باج که این مورد آخر به دلیل فشارهای اقتصادی بسیار زیاد بر جامعه، توسط عده‌ای ارتکاب می‌یابد.

۲- حقوق بشر

بر طبق حقوق بشر، انسان‌ها با هر جنسیت، قومیت، رنگ و نژاد که به اختیار خود آنان نبوده و با هر مذهبی و هر سطحی از درآمد و تحصیلات از حقوقی برخوردارند که بر طبق آن نباید زندگی (حق حیات)، آزادی، کرامت انسانی، احترام و حق تعلق آنان نقض و حتی خدشه‌ای وارد شود و همچنین حقوق اقتصادی و اجتماعی آنان نیز تا حد امکان (تعهد به وسیله) تحقق یابد.

در واقع، حقوق بشر تضمینات بنیادین اخلاقی است که انسان‌ها در هر مکانی و با هر فرهنگی جدای از مذهب، نژاد، رنگ، جنسیت، عقاید، افکار سیاسی و پایگاه اجتماعی به این دلیل که انسان هستند، از آن برخوردارند. با توجه به این تعریف، حقوق بشر دارای جامعیت (جهان‌شمول) است، به‌گونه‌ای که همه انسان‌ها باید - به این دلیل که انسان هستند - از آن بهره‌مند شوند. نگاه و بینش حقوق بشر، محق بودن انسان است که در برابر تکلیف محوری آن قرار می‌گیرد.

در رویکرد امنیت انسانی و حقوق بشر، انسان‌ها در هر نقشی و در هرجایی از این کره خاکی، محترم و سزاوار زندگی شرافتمندانه هستند. "کارل ریموند پوپر"[1] بر این گمان است که «عقل متکی به تخیل، ما را قادر به درک این معنی می‌کند که افراد دوردست که شاید هرگز دیدارشان میسر نشود مانند خود ما هستند» (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۶: ۲۳۷). دراین گفتمان است که شعار همه ما یک زمین داریم و باید برای حفظ آن کوشا باشیم مطرح می‌شود و در اینجا حفظ محیط‌زیست منطقه محل سکونت و کشور خود به‌مثابه و در راستای حفاظت از محیط زیست جهانی تبیین می‌گردد. این مهم نه با فردگرایی محض و نه تنها با جمع‌گرایی حاصل می‌شود. به همین جهت به شهروندانی نیاز است که ضمن فردگرا بودن از دایره طمع، به‌دور و با مسوولیت اجتماعی وارد جامعه شوند (انصاریان، ۱۴۰۰: ۸۷).

حقوق بشر حقوق بنیادین و انتقال‌ناپذیری است که برای حیات نوع بشر، اساسی دانسته می‌شود؛ «در حقوق بین‌الملل تحت عنوان حقوق بشر و در جامعه‌شناسی به‌عنوان حقوق فردی یا شهروندی به انسان اهمیت داده شده است. بدین‌ترتیب وجود حقوق ویژه جوامع و اجتماعات انسانی است» (موثقی، ۱۳۹۷: ۲۶).

1. Karl Raimund Popper.

حقوق بشر مجموعه‌ای از ارزش‌ها، مفاهیم، اسناد و سازوکارها است که موضوعشان حمایت از مقام، منزلت و کرامت انسانی است (ذاکریان، ۱۳۸۳: ۱۱). در واقع حقوق بشر آن دسته از حقوقی است که انسان به دلیل انسان بودن و فارغ از اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت فردی او، از آن برخوردار است (فلسفی، ۱۳۸۸: ۹۵). حقوق بشر مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که از کرامت انسانی و مقام و منزلت او نشات می‌گیرد و باید محترم شمرده شود و همه افراد به‌عنوان انسان بودن اعضای یک خانواده، صرف‌نظر از رنگ، جنس و زبان از آن بهره‌مند هستند (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۱۰).

حقوق بشر دارای جامعیت (جهان‌شمول) است، به‌گونه‌ای که همه انسان‌ها باید – به این دلیل که انسان هستند – از آن بهره‌مند شوند. نگاه و بینش حقوق بشر، محق بودن انسان است که در برابر تکلیف‌محوری آن قرار می‌گیرد. «از نظر فلاسفه اگزیستانسیالیست انسان تنها موجودی است که می‌تواند به زندگی خویش معنا ببخشد و این معن بخشی بنیان شکل‌گیری ساحت‌های متفاوت حیات بشری است. این توانایی ریشه در وصف ساختاری وجود انسان یا همان اگزیستانس دارد» (زمانی‌ها، ۱۳۹۵، ۲۷۰).

حقوق بشر، حقوق برابری است چرا که با توجه به این‌که انسان ها در انسان بودن با یکدیگر برابرند بنابراین هر فردی از حقوق برابر با دیگر انسان‌ها بهره‌مند است. به همین جهت حقوق بشر، حقوقی جهان‌شمول، ذاتی و غیرقابل سلب است (حسینی، ۱۳۹۷: ۱۴). در تلقی جهان‌شمول، حقوق بشر معاصر، نظامی هنجاری است با داعیه فرامرزی و فرافرهنگی. اگرچه نمی‌توان در جوهره عقیدتی و فرهنگی حقوق بشر تردید نمود، اما این حقوق خود را در تخاصم و تعارض با دیگر فرهنگ‌ها؛ جز آن بخش‌هایی از فرهنگ که به صورت هنجاری در تعارض با حقوق بنیادین انسان‌اند، نمی‌بیند (سیدفاطمی، ۱۳۹۳: ۲۷).

از تهدیدهای متوجه حقوق بشر، بی‌توجهی به مردم بومی و حقوق تاریخی و فرهنگی و کوچاندن آنان است. «حقوق بشر بعضی اوقات مورد تهدید قرار می‌گیرد با آواره و بی‌خانمان کردن بومیان از سرزمین سنتی و انکار حق دسترسی آنان به منابعی که برای حق حیات و زندگی مشترک با دیگران لازم دارند» (Holden,2016:3).

حقوق بشر را به‌طور کلی می‌توان آن دسته از حقوق تعریف کرد که ذاتی طبیعت ما است و بدون آن نمی‌توانیم به‌عنوان انسان زندگی کنیم (شایگان،۱:۱۳۸۲). حقوق بشر به دنبال حفظ «کرامت انسانی»[1] است. هر یک از اشخاص انسانی به تنهایی دارای احترام است. کرامت انسانی به دنبال حفظ شخصیت انسانی از تعرض، بی‌احترامی، بی‌اعتنایی و رعایت حقوق از جمله آزادی‌ها و حفظ حریم خصوصی اوست.

در مجموع، می‌توان گفت که حقوق بشر، استحقاق‌های ویژه‌ای برای کلیه اشخاص است؛ حقوقی که مبتنی بر طبیعت بشری بوده و غیرقابل سلب هستند. به بیان دیگر به منظور دارا شدن حقوق بشر چیزی بیش از انسان بودن لازم نیست.

۳- گروه‌های آسیب‌پذیر از منظر حقوق بشر

یک سری از حقوق مورد اشاره در حقوق بشر از کلیه انسان‌ها حمایت به عمل می‌آورد. در واقع جامعه مورد نظر آن، انسان بدون درنظرداشت سن، جنسیت، وضعیت و یا ضعف‌های اکتسابی است که بر انسان‌ها تحمیل شده است.

اما گروهی از حق‌ها در حقوق بشر از انسان‌ها در وضعیت و موقعیت‌های مختلف حمایت به‌عمل می‌آورد و تلاش می‌کند تا مانع از پایمال شدن حقوق و سوءاستفاده و تبعیض بر آنان شود. این افراد، آسیب‌پذیر، ضعیف یا به‌طور سنتی و به‌عنوان یک رسم، قربانی تخلف از حقوق بشر[2] هستند یا امکان آسیب‌پذیری آنان وجود دارد[3]. زنان و دختران[4]، کودکان[5]، پناهندگان[6]، بی‌جاشدگان داخلی[7]، بی‌تابعان[8]، اقلیت‌های ملی[9]، ساکنان بومی[10]، کارگران مهاجر[11]، کم‌توانان[12]، کهنسالان[13]، بیماران (با بیماری‌های خاص و شدید)[14]، دوجنسی‌ها[15] ازجمله این افراد هستند.

1. Human Dignity.
2. They have traditionally been victims of violations.
3. Vulnerable Group.
4. Women and girls.
5. Children.
6. Refugees.
7. Internally displaced persons.
8. Stateless persons.
9. National minorities.
10. Indigenous peoples.
11. Migrant workers.
12. Disabled persons.
13. Elderly persons.
14. Chronic (Severe) illnesses.
15. Hermaphroditism. (LGTB).

٤- حقوق زنان و حقوق آنان در شهر

توجه به حقوق شهروندی و در نتیجه توسعه عدالت اجتماعی ایجاب می‌کند افراد در دسترسی و استفاده از امکانات شهری فرصت و شرایط برابر داشته باشند. زنان نیمی از نیروی انسانی جوامع بشری را تشکیل می‌دهند. میزان حضور و مشارکت زنان در اداره امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تاثیر بسزایی در درجه توسعه‌یافتگی کشورها دارد. از این‌رو امروز تقریبا در تمام کشورها بر به‌کارگیری نیروی زنان برای نیل به توسعه تاکید شده است (زاهدی، ۲۲۴:۱۳۸۶).

با وجود توجه مدیران شهری و علاقه عمومی به استفاده از فن‌آوری‌های هوشمند در مدیریت شهری، نگرانی‌هایی در زمینه امنیت افراد و حفظ حریم خصوصی آن‌ها در شهری که با انواع داده‌ها اداره می‌شود وجود دارد. هزینه کم ورود، ناشناس بودن، مشخص نبودن قلمرو جغرافیایی تهدیدکننده، تأثیرگذاری شگرف و عدم شفافیت عمومی در فضای سایبری، موجب شده بازیگران قوی و ضعیف شامل دولت‌ها، گروه‌های سازمان‌یافته و تروریستی و حتی افراد خطرناک به فضای شهر هوشمند وارد شده و تهدیدهایی همچون جنگ سایبری، جرایم سایبری، تروریسم سایبری، جاسوسی سایبری و مانند آن‌ها را به وجود آورند (Lord & Sharp, 2011).

تمام افراد ساکن در یک جامعه باید بتوانند در حکمرانی مطلوب نقش خود را ایفا کنند و زنان از این مقوله مستثنی نیستند. از آنجا که نیمی از افراد جامعه را زنان تشکیل می‌دهند جلب مشارکت آنان می‌تواند تاثیر بزرگی بر توسعه اجتماعی و مدنی جامعه داشته باشد. صحیح است اگر بگوییم امروزه فعالیت زنان در فضاهای شهری رشد چشمگیری داشته به‌طوری که حضور آنان در این فضا به یک الزام تبدیل شده است (حامدی و نعیمی، ۱۳۸۹). یکی از مولفه‌های موفقیت برای طرح و برنامه‌های مدیریت شهری، میزان مشارکت شهروندان در آن است. در واقع مشارکت مردم در حوزه‌های مختلف مسایل اجتماعی، هرچه بیشتر باشد آن جامعه با شاخصه‌های توسعه‌یافتگی قرابت بیشتری پیدا می‌کند. از این‌رو تمامی مدیران و برنامه‌ریزان سعی دارند در طراحی و اجرای برنامه‌های مدیریتی خود، مشارکت حداکثری شهروندان را کسب نمایند.

کنترل و اداره یک شهر هوشمند بدون همکاری این سه بخش قابل تصور نیست. از طرفی اداره یک‌بعدی شهرها نیز سال‌ها است که به بن‌بست رسیده و تجربه زیستی شهرنشینی نشان می‌دهد تمام جوامع در نهایت نیازمند همکاری هر سه بخش خواهند بود؛ بودجه با مشارکت بخش دولتی و خصوصی تامین می‌شود و همکاری‌های دیجیتال و از راه دور و محله‌محور آن را به سوی پویایی هرچه بیشتر هدایت می‌کند. مفهوم شهر هوشمند باید با ترکیب فناوری اطلاعات و ارتباطات، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و ارتباطی و مسایل زیست‌محیطی نشان داده شود (Lombardi et al, 2012).

با این وجود هنوز هم فضای شهری بی‌توجه به نیازهای زنان طراحی می‌شود و در واقع مردان بهره بیشتری از منافع آن کسب می‌کنند. این فضای مردانه حاکم بر شهرها سبب جلوگیری از شکوفایی استعدادهای مشارکتی و معطل ماندن توانمندی زنان در کمک به توسعه جامعه می‌شود. این چالش، مسوولان و طراحان شهری را بر آن داشت که با ارایه مفهوم شهر دوستدار زنان، محیطی عادلانه و متوازن ایجاد نمایند تا میزان بهره‌بری زنان و مردان متعادل گردد. شهر دوستدار زن اشاره به شهری مطلوب و مناسب دارد که در ابعاد وسیع و همه‌جانبه مسایل و نیازهای زنان را شناسایی و در راستای حل مشکلات و کاستی‌های موجود برنامه‌ریزی داشته باشد (امانی و همکاران، ۱۳۹۸). شهر دوستدار زنان در تلاش است تا مشارکت هرچه بیشتر زنان را جلب نماید، از طریق ارایه خدمات اختصاصی، آسایش و رفاه بیشتر در تعاملات زنان با فضای شهر فراهم نماید و محیط را برای فعالیت‌های شغلی، آمد و شد، تفریح و به‌طور کلی زندگی زنان ایمن نماید (عظیمی، ۱۳۹۴).

عدم امنیت برای زنان تقریبا در تمامی طبقات اجتماعی یافت می‌شود هر چند که این پدیده در مناطقی از شهر که از امنیت کمتری برخوردار است، شایع‌تر است. زندگی زنان در شهرها همواره تحت تأثیر نبود امنیت شهری واقعی یا بالقوه است و این امر مانع دیگری است برای زنان که نتوانند شهروندان فعال همه‌جانبه باشند. در تفکرات شهرسازی سنتی زنان به حوزه خصوصی و مردان به حوزه عمومی تعلق داشته‌اند. این تفکیک با وجود افزایش شهرنشینی، توسعه شهرها و تغییرات همچنان باقی مانده و باعث ایجاد تناقضی شده است که نتیجه آن عدم آسایش و امنیت زنان در فضای شهری است (حقیقت و میرابوالقاسمی بهابادی، ۱۳۹۶).

امروزه فن‌آوری به روش‌های مختلف توانسته در ایجاد امنیت در فضای جامعه گام موثری بردارد. از دوربین‌های مداربسته گرفته تا اینترنت اشیا همگی در تلاش هستند تا تردد در شهر را ایمن نگه دارند. زنان در زمانه کنونی به تمامی بخش‌های جامعه کمک می‌رسانند، اما امنیت آنها هنوز هم در بسیاری از کشورها هنگامی که برای کار، تحصیل، بازرگانی و غیره از خانه خارج می‌شوند، به خطر می‌افتند (Tahmidul Kabir et al, 2022).

یکی از عوامل کاهش امنیت زنان در فضاهای شهری کمبود نور مناسب در برخی گذرگاه‌ها و زیرگذرها و خیابان‌هاست. فضای تاریک مستعد و زمینه‌ساز جرم است و هرچه نور محیط بیشتر باشد مجرم رغبت کمتری به ارتکاب جرم پیدا می‌کند و این امر برای زنان نیز امنیت خاطر بیشتری فراهم می‌کند. به این منظور الزام شهرداری‌ها به همکاری با طراحان و تولیدکنندگان ابزارهای الکترونیکی و شرکت‌های برق منطقه‌ای جهت تامین روشنایی مناسب، می‌تواند کمک شایان توجهی به کاهش ناامنی در معابر کند.

یکی از راهکارهای پیشنهادی استفاده از سنسورهای تشخیصی در کوچه‌های تاریک و کم‌تردد است که با تشخیص حضور عابران چراغ‌های کوچه را روشن کند. همچنین روشی را برای روشن کردن لامپ‌ها توسط عابرین در معابر پیشنهاد کرده‌اند. در این شیوه عابر پیاده از طریق یک برنامه کاربردی، فرستنده‌ای که در محل نصب‌شده را فعال می‌کند و فرستنده با مخابره این دستور می‌تواند چراغ‌های مسیر را روشن کند.

چنین روشی بازدارنده قصد مجرمانه خواهد بود زیرا مجرم احتمال می‌دهد فرد مقابل هر لحظه ممکن است با این شیوه توجه سایرین را به حضور وی جلب نماید. همچنین استفاده از این فن‌آوری احتمال ترس از حضور حیواناتی مانند سگ یا گربه را در محل عبور کاهش می‌دهد و عبور و مرور ایمنی فراهم می‌کند. از طرفی چون چراغ‌های معبر تمام مدت روشن نیستند، در مصرف برق نیز صرفه‌جویی می‌گردد و موجب حفاظت از محیط‌زیست می‌شود.

اکثر نیازهای اولیه انسان‌ها در یک شهر هوشمند، با فن‌آوری‌های نوظهور، اینترنت اشیا، برنامه‌های کاربردی مختلف، لپ‌تاپ و گوشی‌های تلفن هوشمند مرتفع می‌گردد. زنان نه برای خرید خانه و نه حتی برای خرید پوشاک و سایر ملزومات به بازارها نمی‌روند، مغازه‌های حقیقی جای خود را به فروشگاه‌های مجازی می‌دهند. بانک‌ها در برنامه‌های موبایل بانک خلاصه می‌شوند. دید و بازدیدها نیز با کمک تماس‌های تصویری انجام می‌گردد. آموزش به شیوه مجازی ارایه می‌شود و... . در این وضع، شهر هرچه هوشمندتر باشد، خلوت‌تر خواهد بود. ساکنین شهرهای هوشمند همزمان که از آسایش به وجود آمده لذت می‌برند، پس از مدتی از شهر خلوت و ساکت خسته خواهند شد. از طرفی بر اساس اندیشه‌های جرم‌شناسان خلوت شدن خیابان‌ها و معابر زمینه و بستر وقوع جرایم را فراهم می‌کند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۱). کوچه‌های تاریک و خلوت همیشه یکی از نگرانی‌های امنیتی زنان بوده است. از این‌رو استفاده گسترده از دوربین‌های نظارتی و کنترل موثر و با دقت آن می‌تواند تا حدودی نگرانی‌ها را کاهش دهد (Akbari et al, 2020)، البته خود نباید تبدیل به عاملی برای کنترل شهروندان و نقض حریم خصوصی آنان شود.

حمل و نقل هوشمند و ارتباط آن با زنان از دیگر موضوعات مربوط است. حمل‌ونقل نیز از حوزه‌های تاثیرگذار در شهرهای هوشمند است. ابزارهای استفاده شده در حمل‌ونقل هوشمند اطلاعات موقعیت مکانی و مقصد افراد را را در اختیار دارند. زنان بیشتر از مردان به وسایل نقلیه عمومی وابسته بوده و کمتر مالک خودرو شخصی هستند (زیاری و ترکمن نیا، ۱۳۹۱) و در کشور ما کمتر از دوچرخه هم استفاده نمی‌کنند. همچنین بیشتر عابرین پیاده را نیز زنان تشکیل می‌دهند. به علاوه زنان بیشتر سفرهای زنجیره‌ای و پیچیده انجام می‌دهند تا سفرهای خطی و مشخص، در چنین وضعی حفاظت از اطلاعات موقعیت مکانی و مقاصد روزانه سفرهای زنان معمولا توسط ابزارهای شارژ الکترونیک کارت‌های پرداخت، برنامه‌های کاربردی درخواست تاکسی و نیز نقشه‌های همراه جمع‌آوری می‌گردند. از طرفی در شهرهای هوشمند پیشنهاد می‌گردد از ابزارهای دیگری نیز برای بهبود حمل‌ونقل استفاده شود مانند برنامه‌هایی که محل‌های مناسب پارک اتومبیل را در پارکینگ‌ها مشخص می‌کنند، برنامه‌های اطلاع‌رسانی از وضعیت راه‌ها و ... در شهرهای هوشمند دوربین‌های کنترل ترافیک و ابزارهای الکترونیک پرداخت عوارض نیز داده‌های مختلف افراد را جمع‌آوری می‌کنند. با توجه به این‌که زنان نقش فعالی در این فضای حمل‌ونقل هوشمند به‌عنوان موضوع داده‌ها ایفا می‌کنند، حفاظت اطلاعات آنان و حفظ حریم خصوصی آن‌ها در زمان استفاده از وسایل حمل‌ونقل حایز اهمیت است.

۵- حقوق کودکان و حقوق آنان در شهر

دوره کودکی تاثیرگذارترین دوره زندگی انسان است و رخدادها و خاطراتی که در این دوره در ذهن کودک شکل می‌گیرد بر شخصیت و نحوه رفتار بزرگسالی تاثیر زیادی می‌گذارد. همچنین به علت انعطاف‌پذیری و آسیب‌پذیری بیشتر نسبت به سایر گروه‌های سنی و اجتماعی، کودکان نیاز بیشتری به مراقبت و حمایت دارند (پژوهان، ۱۳۹۶: ۱۶). به همین جهت فضای شهری خوب برای هر کودک محیطی است که انتظارات او را برآورده کند یعنی محیطی فراهم شود تا به همه نیازها اعم از بازی، سرگرمی، تفریح، آموزش و غیره در کنار هم پاسخگو باشند (قلندریان و یونسی،۱۴۰۰).

با رشد و توسعه شهرنشینی در جهان، دولت‌ها با چالش‌های مختلفی در حوزه حقوق گروه‌های خاص شهروندان از جمله کودکان مواجه می‌باشند، چرا که کودکان به علت شرایط خاص سنی و رشدی خود نیازمند توجه بیشتری نسبت به سایر شهروندان عادی هستند و از حقوق ویژه‌ای برخوردارند. اما شهرها نه تنها برای کودکان طراحی نشده‌اند بلکه آنها را از کمترین حقوق ویژه خود نیز بهره‌مند نمی‌سازند.

فعالیت‌های کودکان همواره در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت و متنوع بوده است. امروزه در شهرها مراکز و نهادهای مختلفی به روش‌های گوناگون به مراقبت از کودکان می‌پردازند. اگرچه گاهی اوقات مانع از انتخاب آزادانه آن‌ها در چگونگی گذران اوقاتشان می‌شود. امروزه در طراحی فضای شهری از نیازهای کودکان غفلت شده است. گسترش ساختمان‌های بلندمرتبه، کاهش روابط همسایگی، کاهش فضای سبز و بوستان‌ها و ... همگی باعث شده‌اند که کودکان از فضاهای عمومی رانده شوند و شهر فقط مکانی برای بزرگسالانی باشد که به کار و کسب درآمد می‌پردازند. این درحالی است که ایجاد محیطی مناسب برای رشد کودک و آشنایی با نیازهایش، زمینه رشد درست شخصیتی و تربیتی‌اش را به‌عنوان نسلی سالم که عامل پیونددهنده گذشته و آینده است را فراهم می‌کند. با توجه به اینکه آموزش، استراحت، تفریح، بازی و فعالیت‌های خلاق، حق هر کودک است، بنابراین باید شرایط مناسبی ایجاد کرد تا کودکان بتوانند محیط و طبیعت اطراف خود را بشناسند و برای حفظ محیط‌زیست تلاش کنند. کودکان حق دارند از هویت فرهنگی، زبان، ارزش‌های ادبی و ملی کشور خود مراقبت کنند و آن‌ها را پاس بدارند.

در مجامع بین‌المللی از سال ۱۹۸۹ کنوانسیون حقوق کودک به‌طور جدی به مساله حقوق کودکان پرداخته و ایران نیز در اول اسفند ماه ۱۳۷۲ خورشیدی نیز با تصویب مجلس شورای اسلامی به این کنوانسیون ملحق شد.

اوقات فراغت و سرگرمی از جمله اموری است که در این کنوانسیون مطرح شده و بر اساس ماده ۳۱ کنوانسیون، دولت‌ها باید حق بازی و سرگرمی را برای کودک به رسمیت بشناسند. حکومت‌ها باید امکانات مناسب را برای انجام فعالیت‌های فرهنگی و هنری و همچنین فراغت و سرگرمی فراهم کنند.

بدون شک مهم‌ترین سند حقوقی کودکان، کنوانسیون حقوق کودک است. کودکان از حقوق مختلفی برخوردارند که در کنوانسیون حقوق کودک منعکس گردیده‌اند. ضرورت شناسایی حقوق کودکان در حوزه حقوق شهری از آن جهت واجد اهمیت است که آنها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان جامعه در معرض بیشترین آسیب‌ها و تهدیدهای اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و آموزشی قرار دارند و با توجه به نوپایی شناسایی حقوق کودکان در شهرها در سطح جهانی و به‌خصوص در ایران و تلاش‌های سازمان‌های بین‌المللی نظیر یونسف بر ارتقای بیش از پیش این حقوق، انتظار می‌رود مدیران و سیاست‌گذاران شهری اقدامات مقتضی را در این حوزه به انجام برسانند (سلامی، مظهری، ۱۳۹۹: ۱۱).

محیط، تاثیر مستقیم و قاطع روی هر موجود زنده دارد، بنابراین باید به نیاز همه اقشار استفاده‌کننده از آن، توجه ویژه شود. تعامل کودک با محیط از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. زیرا این واقعیت که محیط زندگی کودکان، تاثیر زیادی بر سلامت جسمی و روانی آن‌ها دارد، به‌طور گسترده، پذیرفته شده است (شهاب‌زاده، ۱۳۹۰: ۴۷).

بر اساس اصل حقوق کودکان، کودکان دارای حقوقی اساسی مانند حق زندگی، آموزش، سلامتی، بازی و تفریح و حقوق اجتماعی هستند. این حقوق باید در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری مورد توجه قرار گیرند.

شهرها با ارایه فضاها و امکاناتی مناسب برای بازی، آموزش، فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی، به کودکان فرصتی برای رشد سالم و شادابی می‌دهند. طراحی و مدیریت صحیح این شهرها نقش‌آفرینی در ایجاد جوامع سالم و پایدار دارد.

امروزه مهم‌ترین مساله در معماری، هویت فضای معماری و درک آن توسط کاربران است (باقری و شاه‌چراغی، ۱۳۹۶: ۵). از این‌رو بی‌توجهی به کودکان در طراحی فضای شهری، بیانگر نوعی محرومیت و ضعف در جلب کنجکاوی، تخیل و ایجاد انگیزه و علاقه برای آنان بوده و محیط روانی و اجتماعی کودکان را آشفته ساخته و تاثیر نامناسبی در جریان رشد آنان می‌گذارد. از جمله: افزایش خشونت و روحیه تهاجمی، عملکرد تحصیلی ضعیف، تعامل ضعیف خانوادگی و اجتماعی و جامعه‌گریزی. از طرفی حضور هرچه بیشتر کودکان در فضای شهری مطلوب، امکان دستیابی به تجربه‌های نو، آشنایی با همسالان، تماس‌های اجتماعی، یاد دادن، یاد گرفتن، تجربه و لمس واقعیت‌ها و درک محیط را درپی دارد (آزموده، ۱۳۹۱: ۱۵۵).

مهم‌ترین حقوق کودکان در شهرها از جمله: حق عدم تبعیض، حقوق کودکان معلول، حق شنیده شدن، برخورداری از امنیت اجتماعی، حق بر سلامت، حق بر تحصیل و حق بر بازی و تفریح

می‌باشد. نتیجه اینکه هر چند اقدمات نظری خوبی از سوی نهادهای شهری ایران در این حوزه صورت گرفته است، با این‌حال ناگفته پیداست که در عمل تا رسیدن به وضعیت مطلوب کودکان فاصله بسیاری وجود دارد. کودکان به‌عنوان کوچک‌ترین شهروندان، حقوق شهروندی خاص خود را دارند تا از آن‌ها حمایت صورت گیرد(صابری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰).

کودکان به‌عنوان گروهی رسمی و مستقل در جوامع حق دارند در محیط خود دخل و تصرف داشته باشند و لازم است نقش فعال و سازنده‌ای را در امور داشته باشند. شرایط برای کودکان باید به‌گونه‌ای آزادانه باشد که آن‌ها با اظهارنظر در سرنوشت خود و جامعه‌ای که در آن زیست می‌کنند، به نحو مطلوبی سهیم باشند (صفوی مقدم و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۴-۱۴۷).

شهر دوستدار کودک یا «شهر کودک‌پذیر»، به شهری اطلاق می‌شود که طراحی و مدیریت آن به‌گونه‌ای است که به کودکان و خانواده‌ها اجازه می‌دهد تا به‌طور ایمن و سالم در آن زندگی کنند و از امکانات شهری بهره‌مند شوند. این مفهوم بر این باور است که شهرها باید برای همه اعضای جامعه، از جمله کودکان، آسایش و امکانات مناسبی فراهم کنند. مطالعه و زمینه‌سازی شهرهای دوستدار کودک در اروپا به‌ویژه از سال‌های ۱۹۸۰ میلادی به بعد مورد توجه قرار گرفته است. عمده این تلاش‌ها در راستای تخصیص حقوق شهروندی به کودکان و رسیدگی به خواسته‌ها و نیازهای آنها بوده است. برای نخستین‌بار شهر دوستدار کودک در سال ۲۰۰۷ در استرالیا ایجاد شد و سپس در کشورهای مختلف به تبعیت از استرالیا نمونه‌هایی ساخته شد. به‌طوری که این الگو در سال ۱۳۸۹ نیز وارد ایران شد و شهر «اوز» در استان فارس برای نخستین‌بار به‌عنوان شهر دوستدار کودک معرفی شد.

شهری که به کودک اهمیت دهد و در حقیقت شهر را فقط محل زندگی و تردد بزرگسالان نداند باید مولفه‌هایی را در آن مدنظر قرار دهد. این شاخص‌ها و متغیرها در شهر شامل این موارد می‌شود. از جمله مواردی که امروزه شهرداری‌ها مصرانه در حال پیگیری آن هستند، احداث شهرهای دوستدار کودک است. منظور از شهر دوستدار کودک، شهری است که در آن خواسته‌های کودکان در اولویت قرار می‌گیرد و شرایط اجتماعی، فرهنگی و معماری شهر همسو با نیازهای آنهاست و حقوق کودکان در سیاست‌ها، قوانین و شرایط اجتماعی و فرهنگی آن منعکس می‌شود.

در سال ۱۹۸۹، نمایندگان کشورهای جهان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، پیمان حقوق کودک را تأیید و امضا کردند و متعهد شدند تا برای تصویب و اجرای آن در کشورهای خود تلاش نمایند. این عهدنامه که به «کنوانسیون حقوق کودک» معروف است، همه دولت‌ها و مردم جهان را به ساختن دنیای بهتر برای کودکان تشویق می‌کند که در تاریخ اول اسفند ۱۳۷۲، مجلس شورای اسلامی نیز، ملحق شدن جمهوری اسلامی ایران به این عهدنامه بین‌المللی را تصویب کرد.

بر اساس ماده ۳۱ بند یک این عهدنامه «بازی و تفریح، حق کودک است، پس ضروری است که امکانات لازم برای فعالیت‌های تفریحی آنان را فراهم نمود». همین‌طور در بند دو همین ماده آمده است: «ضروری است مسوولان فضاهای مناسب و متعددی را برای کودکان فراهم نمایند. از این‌رو این مکان‌ها بهتر است به محل سکونت کودکان نزدیک باشد. امروزه درهم‌تنیدگی مسائل اجتماعی و شهری به‌گونه‌ای است که برنامه‌ریزی و طراحی ویژه‌ای را برای فضاهای گذران اوقات فراغت طلب می‌کند. اهمیت مسأله به دلیل مشکلات آپارتمان‌نشینی و به دنبال کمبود شدید فضاهای خصوصی است و خصوصاً با توجه به جمعیت جوان و آینده‌ساز کشورمان، قطعاً ایجاد امکاناتی برای بازی و سرگرمی به‌منظور گذران اوقات فراغت، سهمی عمده در بلوغ اجتماعی و تکامل شخصیتی این گروه سنی خواهد داشت (حیدری، طاهره، ایمن‌پور و فرناز، ۱۳۹۴).

وجود فضاهای باز و بوستان‌ها، ایجاد فضاهای سبز، بوستان و محل‌های باز برای بازی و تفریح کودکان از اهمیت بالایی برخوردار است. این فضاها باید امکانات لازم برای بازی، ورزش و تفریح داشته باشند. شهر باید برای کودکان ایمن و امن باشد. این مولفه شامل ایجاد محیط‌های مراقبتی در مدارس، بوستان‌ها و محل‌های عمومی، نظارت بر ترافیک و ایجاد محیطی بدون خطر برای کودکان می‌شود. فراهم کردن دسترسی آسان به حمل‌ونقل عمومی و مسیرهای ایمن برای رفت‌وآمد کودکان و خانواده‌ها که به جهت ایمنی و امنیت کودکان ز اهمیت بالایی برخوردار است.

تامین و تجهیز شهر به امکانات مربوط به تندرستی مناسب از جمله مراکز درمانی، فضاهای ورزشی و فعالیت‌های بدنی برای کودکان و خانواده‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. شرکت کودکان در تصمیم‌گیری و ایجاد فرصت‌ها برای شنیدن صدا و نظرات کودکان در مورد اموری که برای آنها اهمیت دارند و شرکت آنها در فرایندهای تصمیم‌گیری مرتبط با شهر، ضروری است. اطمینان از دسترسی به آب، غذا، مسکن و زیرساخت‌های اساسی دیگر برای کودکان و خانواده‌ها هم از منظر تحقق حقوق افراد

به‌طور کلی و نیز از منظر اجرا و ایفای حقوق کودکان و ایجاد زمینه مساعد برای پرورش آن‌ها بسیار مهم است. ایجاد فرصت‌های آموزشی و فرهنگی برای کودکان و ارائه فضاهای فرهنگی و هنری مناسب از شاخص‌های مهم در وجود یک شهر ضابطه‌مند و مناسب برای کودکان است.

درباره رابطه فضای کلان‌شهرها با وضعیت روحی کودکان باید به این امر اشاره کرد که به همان اندازه که کلان‌شهرها می‌توانند جذاب باشند و دسترسی انسان‌ها را به منابع مختلف رفاهی، اطلاعاتی، فرهنگی و ... میسر سازند، به همان اندازه نیز قادر هستند جدایی انسان‌ها و به‌ویژه کودکان را از طبیعت به همراه آورند که نتیجه این امر افزایش روحیه فردگرایی و انزواطلبی در کودکان است. بنابراین در تاثیر فضاهای شهری بر رشد کودکان باید گفت کودکانی که به دور از طبیعت و تنها در محیط‌های مصنوعی رشد می‌کنند، به تدریج رفتارهای خشونت‌آمیز پیدا کرده و روز به روز بر تنش‌های عصبی آنها افزوده می‌شود و این امر نوعی تهدید برای آن‌ها و جامعه محسوب می‌شود.

ایجاد شهرهایی دوستدار کودک امری ضروری و حیاتی برای تضمین رشد و توسعه سالم کودکان است. حقوق کودکان در شهرها باید به‌عنوان یک اولویت در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری مورد توجه قرار گیرد. ایجاد فضاهای باز بازی، امکانات آموزشی و فرهنگی، حمل و نقل عمومی مناسب و ایجاد امنیت برای کودکان از جمله اقداماتی است که می‌تواند به ایجاد شهرهای دوستدار کودک کمک کند. از جمله پیامدهای کمبود فضا این است که کودکان در محیط‌هایی رشد می‌کنند که احساس خوشایندی نسبت به آنها ندارند. در چنین وضعیتی کودکان به جای تجربه محیط شهر و کسب تجربه از آنها در جستجوی تخیل‌ها و تقلید از تلویزیون و بازی‌های رایانه‌ای هستند. در واقع آنها در دنیای کودکی ساختگی مصنوعی که بزرگسالان ایجاد کرده‌اند رشد و پرورش می‌یابند.

به حضور فعال کودکان در فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری و اعطای حق ابراز نظر به آنها به‌عنوان شهروندان فعال در جامعه نیاز است. با انجام این اقدامات، می‌توان بهبود شرایط زندگی کودکان در شهرها را فراهم نمود و زمینه‌ای سالم برای رشد و توسعه آنان فراهم آورد.

٦- نتیجه‌گیری

پرواضح است که فضای شهرهای ایران برای حضور افراد جامعه به‌خصوص گروه آسیب‌پذیر چون کودکان چندان مناسب نیست. از نبود امنیت و ایمنی لازم گرفته تا کمبود فضای سبز و بازی و آلودگی‌های مختلف و سلطه خودروها بر شهر، همگی دست به دست هم داده‌اند تا کودکان را از فضاهای شهری برانند. به عبارتی باید گفت فضای شهری امکان کسب تجربه را از کودکان گرفته‌اند و به همین دلیل کم کم کودکان به سمت وسایل دیجیتالی و بازی‌های انفرادی و نیز انزواطلبی و گوشه‌نشینی سوق یافته‌اند.

با توجه به اینکه طراحی فضاهای شهری و نیز زیباسازی محیط پیرامون از جمله وظایف شهرداری محسوب می‌شود انتظار می‌رود به فضاهای خاص کودکان نظیر مدارس، کودکستان‌ها و بوستان‌ها توجه ویژه‌ای شود و با ایجاد فضاهایی مناسب، منبعی برای علاقه‌مند ساختن کودکان و جذابیت برای آنها باشند. باید گفت، امروزه شهرداری‌ها بیش از گذشته بایستی به علاقه‌ها و علقه‌های طیف‌های مختلف سنی به‌خصوص کودکان توجه کرده و برآورده کردن نیازها و خواسته‌های این گروه سنی را بیش از پیش در اولویت کاری خود قرار دهند.

درنهایت راهکارهایی که با توجه به پژوهش صورت گرفته می‌شود ارایه داد به این شرح است.

۱- طراحی شهری با رویکرد جنسیتی[1]

۲- ارتقای امنیت فیزیکی و روانی زنان در فضاهای عمومی،

۳- توسعه برنامه‌های حمایتی اقتصادی و اجتماعی،

۴- حضور فعال زنان در شوراهای شهری و فرایندهای تصمیم‌سازی،

۵- ایجاد شهر دوستدار کودک[2] بر اساس ضوابط سازمان یونیسف،

۶- تضمین دسترسی برابر به آموزش، بهداشت و تفریح،

۷- حمایت حقوقی از کودکان بی‌سرپرست و خیابانی،

۸- مشارکت دادن کودکان در فرایندهای شهری متناسب با سن و درک آنان.

1. gender-sensitive urban planning

2. Child-friendly City

منابع

آزموده، مریم.(۱۳۹۱) **معماری و طراحی برای کودکان**، تهران: علم و دانش.

امانی, مجتبی؛ خزایی, مسعود داورپناه، (۱۳۹۸). تحلیلی بر شهر دوستدار زن در ایران، **جغرافیا و روابط انسانی**، ۱(۴)، ۵۰-۶۲ .

انصاریان، مجتبی (۱۴۰۰) تمرکز بر امنیت سخت و فضیلت یا حقوق بشر در تحقق حقوق شهروندی، **فصلنامه تعالی حقوق**، ۱۲، ۴: ۱۰۷-۸۴.

باقری، ویدا و شاه چراغی، آزاده. (۱۳۹۶). معماری برای کودکان بی سرپرست از منظر روانشناسی رشد. **کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی ایران معاصر**. تهران.

پژوهان، موسی(۱۳۹۶). شهرداری‌های دوستدار کودک، زمینه سازی برای رسیدن به شهرهای دوستدار کودک. **ماهنامه شهرداری‌ها**، ۱۲۵، ۱۶-۱۷.

سلامی، شهرام، مظهری، محمد (۱۳۹۹) حقوق کودکان در حوزه حقوق شهری درپرتو کنوانسیون حقوق کودک، **فصلنامه حقوق کودک**، ۲ (۶): ۴۲-۱۱.

سیدفاطمی، سید محمد قاری، (۱۳۹۳) **حقوق بشر در جهان معاصر** (دفتر دوم، جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها)، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های شهر دانش.

شایگان، فریده، (بهمن۱۳۸۶) امنیت انسانی و مسوولیت جهانی، **خبرنامه انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد**، دوره ۲، شماره ۷، صص ۷-۱۶.

شریفی طرازکوهی، حسین، (۱۳۹۶) **حقوق شهروندی**، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.

شهاب زاده، مرجان (۱۳۹۰). به کارگیری هنرهای ترسیمی کودکان و نوجوانان به عنوان روش مشارکتی در طراحی محیط های بهتر، **نشریه علمی صفه**، ۲۵(۶۸) : ۴۷_۶۰

زاهدی، ش. (۱۳۸۶). **زن و توسعه**، چاپ دوم، تهران: انتشارت دفتر پژوهش های فرهنگی.

ذاکریان، مهدی، (۱۳۸۳) **حقوق بشر و خاورمیانه**، تهران: نشر مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، چاپ دوم.

حامدی، رحمت، نعیمی، محسن. (۱۳۸۹). زنان و اجتماع ایمن، **مجله مطالعات پلیس زن**. شماره ۱۲. ۱۴۹-۱۷۰ .

حقیقت، محمود و میر ابوالقاسمی بهابادی، محمد. (۱۳۹۶). امنیت و حقوق شهروندی زنان در فضاهای شهری با رویکرد CPTED مورد: خیابان و پیاده راه. **نشریه پژوهش‌های مکانی فضایی**. ۲، ۵۴-۹۷.

حیدری، طاهره، ایمن پور، فرناز (۱۳۹۴) بررسی حقوق کودکان در معماری شهری، **کنفرانس بین‌المللی مدیریت و علوم انسانی**.

حسینی، محمد، (۱۳۹۷) **حقوق بشر؛ مبانی و مسایل کنونی**، تهران: نشر دانشگاه علوم قضایی خدمات اداری.

فلسفی، هدایت الله، (پاییز ۱۳۸۸) تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین‌المللی، **مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی**، شماره ۱۷-۱۶، صص۱۲۵-۹۵ .

قلندریان، ایمان و یونسی، زهرا. (۱۴۰۰). بازتاب تصویری فضای شهری و دوست دار کودک در نقاشی کودکان ۷-۱۲ ساله، **هویت شهر**، ۱۵ (۴۷)، ۲۸-۱۵.

صابری، حمید؛ طهماسبی زاده، فرشاد و شهیر، عمار(۱۳۹۶). فضاهای شهری دوستدار کودک: نگرش‌ها و شاخص‌ها، **پنجمین همایش ملی معماری، مرمت شهرسازی و محیط زیست پایدار**، همدان.

صفوی مقدم، مریم، نوغانی دخت بهمنی، محسن و مظلوم خراسانی، محمد (۱۳۹۴). بررسی شهر دوستدار کودک و احساس شادی کودکان در شهر مشهد، **مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد**، ۱۲(۱)، ۱۴۳_۱۶۵.

طباطبایی موتمنی، منوچهر، (۱۳۹۴) **آزادی‌های عمومی و حقوق بشر**، چاپ هفتم، تهران: نشر دانشگاه تهران.

زمانی‌ها، حسین (بهار و تابستان ۱۳۹۵) بررسی و تحلیل نسبت بین کمال انسانی و ساحت‌های طولی و عرضی حیات در فلسفه ملاصدرا، **نشریه پژوهش‌های فلسفی**، سال ۱۰، شماره ۱۸، صص ۲۸۲-۲۶۵.

عظیمی، م. (۱۳۹۴). شهرهای دوستدار زن و استراتژی‌های دستیابی به آن، **فصلنامه برنامه ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای**. ۱(۲).

موثقی، حسن (پاییز ۱۳۹۷) بررسی تطبیقی مبانی فلسفی حقوق از منظر مکاتب حقوق بین‌الملل و جامعه شناسی، **مجله مطالعات جامعه شناسی**، دوره ۱۱، شماره ۴۰، صص ۲۸-۷.

هاشمی، کامران (۱۴۰۰) دین، نژاد و مبارزه حقوق بشر برای حمایت از افراد آسیب پذیر، **دوفصلنامه حقوق بشر**، ۱۶، ۲: ۱۷۲-۱۵۱.

Holden, Andrew (2016) **Environment and Tourism**, Routledge,New York.

Lord, K. M. & Sharp, T. (2011). America's Cyber Future: Security and Prosperity in the Information Age. **Washington, DC: Center for a New American Security**, Vol. 1.

Lombardi, P., Giordano, S., Farouh, H., & Yousef, W. (2012). Modelling the smart city performance. **Innovation,** 25(2), 137–149.

Akbari, A., Lotfaliyan, N. & Hasanpour, M. (2020). Practical Strategies and Smart City Solutions to Promote Women's Security in Public Areas (Case Study: Tehran District 16). **Creative city design**.3(2), 126-140.